

◀ نماد الصرخه

حسین الحوثی پس از سال ۲۰۰۲ به خاطر حوادث پس ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و تهدید عراق، رویکرد فکری جدیدی را دنبال کرد که ترکیبی از «احیای ایمان» و «ضد امپریالیسم» و متأثر از اندیشه‌های کلی انقلاب اسلامی در ایران بود. بنابراین شعار (الله اکبر، الموت لإمریکا، الموت لإسرائیل، اللعنه علی الیهود، النصر لإسلام) که الصرخه (فریاد) نام دارد و به صورت نماد فراگیر شده است را طراحی کرد. او نخستین بار این شعار را سال ۲۰۰۲ در سخنرانی معروف به (الصرخه فی وجه المستکبرین) در مدرسه الهادی منطقه مران ایراد کرد. با آغاز این شعار که فریادی بر صورت مستکبران شده و روح انقلابی زبیده را برانگیخته بود، رئیس جمهور یمن او را تهدید کرد اگر دست از این شعار بردارد او را مجازات سختی خواهد کرد، اما شهید حسین گفت: «من نمی‌توانم مانع مردم شوم، اما شما می‌توانید با صادر کردن دستوری، سردادن این شعار را جرم اعلام کنید». شهید الحوثی با این شعار، سکوت مسلمانان در برابر استکبار آمریکا و اسرائیل را شکست و قلبشان را به بازگشت در مسیر قرآن کریم سوق داد. او خطاب به همه مسلمانان گفته بود: «برادران فریاد بزنید که شما نخستین نفری هستید که این شعار را فریاد می‌زنید، ان شاء الله در آینده خواهید دید همراه با شما فرد دیگری در منطقه دیگری این شعار را فریاد می‌زند».

«حمید رزق» خبرنگار یمنی درباره لعنت بر یهود که بخشی از شعار است، توضیح می‌دهد و می‌گوید: «این، نفرینی بر شهرک‌نشینان و ظالمان و اشغالگرانی است که دارایی مسلمانان را تصاحب می‌کنند، این شعار مانند مرگ بر آمریکا است، آیا منظور ما مردم آمریکا یا سیاست آمریکا است؟ مخالفت ما با سیاست آمریکا است نه با مذهب و دین». مردم یمن هر سال، جمعه آخر ماه شوال را که سالگرد شعار الصرخه است، گرمی می‌دارند. شهید الحوثی دست از شعار برنداشت و سرانجام تصمیم جنگ از سوی آمریکا و عربستان صادر شد. این تصمیم از قبل گرفته شده بود، اما عبدالله صالح با پیامی به شهید الحوثی، ضرورت دیدارشان را متذکر شد. حسین در پیامی پاسخ داد در زمان مناسبی به خواست خدا با یکدیگر به تفاهم خواهیم رسید. اما از آن‌جا که فرمان جنگ صادر شده بود، عبدالله صالح مدعی شد حوثی‌ها با درخواست مذاکره مخالفت کردند. صالح می‌خواست با از بین بردن حوثی‌ها توجه آمریکا را به خود جلب کند و قصد داشت حمایت پیشین خود از صدام حسین را در حمله به کویت جبران کند و دل عربستان را بدست آورد.

سال سیاه عربستان

آمازی از عملیات‌های موشکی و پهپادی انصارالله و ارتش یمن علیه مواضع ائتلاف سعودی در عربستان سعودی و یمن در شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۰. برای مشاهده این داده نگار، نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن نمایید.



عبدالکریم جذبان، علی احمد الرازحی و صالح هبیره تأسیس شده بود، پیوستند. او که نماینده حزب الحق در مجلس یمن بود، پس از آن نامزد انتخاباتی نشد و در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ به عنوان نماینده جوانان مؤمن در پارلمان فعالیت کرد. حزب «جوانان مؤمن» از او خواست به عنوان مهره‌های اصلی سازندگی و شورای فرهنگی که هدف پرورش افکار جوانان در برابر انحرافات و تفکر وهابیت را دنبال می‌کردند، فعالیت کند. او که دبیرکل تشکیلات جوانان مؤمن شده بود، خواستار دریافت مجوز فعالیت حزبی از سوی دولت بود، اما هربار با موانعی بر می‌خوردند و دولت یمن با آن‌ها برخورد می‌کرد. یک سال پس از رونق فعالیت «جوانان مؤمن» و گسترش پایگاه آن در میان جوانان شهرهای مختلف یمن، تظاهرات ضدآمریکایی راهبری کرد و دامنه فعالیت آنان که در ابتدا محدود به دفاع از حقوق مردم منطقه صعه بود، گسترش یافت.

◀ آغاز حرکت

پیش از جنگ ۱۹۹۴ میان ارتش یمن و سوسیالیست‌ها علی عبدالله صالح که می‌خواست از طریق علمای یمن مشروعیت خود را علیه سوسیالیست‌ها بدست آورد و به آن‌ها حمله نظامی کند، با چند تن از آنان صحبت کرد و خواست سوسیالیست‌ها را به دلیل تفکر الحادی و مارکسیسمی کافر اعلام کنند. یکی از کسانی که علی عبدالله صالح با آنان تماس گرفت، پدر سید حسین، علامه بدرالدین بود که او درخواست عبدالله صالح را رد کرده و جنگ علیه سوسیالیست‌ها را ظالمانه خوانده و در مواضع خود پایداری کرد.

شهید الحوثی که نماینده پارلمان یمن بود، سعی کرد با برگزاری تظاهرات، مخالفت خود را نسبت به این جنگ اعلام کند، اما عبدالله صالح بر خواسته خود پافشاری کرد و سیدحسین الحوثی را به اتحاد با سوسیالیست‌ها متهم کرد. پس از آنکه جنگ پایان یافت، دولت یمن تلاش برای ترور علامه الحوثی کرد، اما آن سوءقصد نافرجام ماند. اطرافیان که نسبت به جان علامه بدرالدین الحوثی نگران بودند، او را متقاعد کردند از کشور خارج شود، علامه الحوثی یمن را به مقصد عربستان سعودی ترک کرد اما ملک فهد بن عبدالعزیز پادشاه عربستان فقط دو روز به او اجازه اقامت در این کشور را داد. علامه بدرالدین به کشور اردن و پس از آن به سوریه رفت و سپس عازم ایران شد و به مدت یک سال آن‌جا ماند. حسین الحوثی در سال ۱۹۹۵ برای دومین بار به ایران رفت تا پدرش را به صعه برگرداند. پس از آن به مصر سفر کرد و آن‌جا با «البّاء» فرزند شیخ حسن البّناء مؤسس حرکت اخوان المسلمین ملاقات و از دانشگاه الأزهر دیدار کرد. در این سفر وی تلاش کرد با نویسنده کتاب (الفریضه الغائبه) که درباره جهاد نگاشته شده است، ملاقات کند.

◀ ادامه تحصیل

سید حسین که تحصیلات خود را نزد پدرش و علمای عقاید زیدی گذرانده بود، در کنار فعالیت سیاسی به درس خود ادامه داد و به دانشکده شریعت دانشگاه صنعا پیوست و لیسانس شریعت و حقوق گرفت و از آن‌جا که قصد داشت تحصیلات دانشگاهی را در مقطع ارشد ادامه دهد، به یکی از دانشگاه‌های سودان پیوست و در سال ۲۰۰۰ مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی خود را با نمره ممتاز گرفت.

◀ راه قرآنی

شهید حسین مدتی پیش از اتفاقات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به دلیل بیماری همسر پدرش (مادر عبدالملک) به مران بازگشت. او که

شهادت الحوثی که نماینده پارلمان یمن بود، سعی کرد با برگزاری تظاهرات، مخالفت خود را نسبت به این جنگ اعلام کند، اما عبدالله صالح بر خواسته خود پافشاری کرد و سیدحسین الحوثی را به اتحاد با سوسیالیست‌ها متهم کرد. پس از آنکه جنگ پایان یافت، دولت یمن تلاش برای ترور علامه الحوثی کرد، اما آن سوءقصد نافرجام ماند.